

# دفتران

## هم کلاسی

مج گیری فاطمه خ.

ترس، واپستا، کجا می‌ری؟ کارت دارم. آخه از چی می‌ترسی؟ از تنهایی؟ از تنهایی ترس. گازت نمی‌گیره. اتفاق نمی‌افته. فقط باعث می‌شه خودت باشی و خودت، تنهای تنهای. اصلاً تو برای چی از تنهایی می‌ترسی؟ نکنه تو هم مثل من احساس می‌کنی آدم پشت سرته و می‌خواهد تستشو بذاره روی شونه‌هات! ولی نه! حالا دیگه فهمیدم که تنهایی ترس نداره، اون چیزهایی که تو تنهایی، تو رو می‌ترسونه، لولو و دیو و هیولا و جن نیست! خودتی، خود خودت ... تو وقیع تنهای می‌شی، از خودت می‌ترسی، چون یک‌هو یاد خودت می‌افتنی و تنت می‌لرزه. ولی تو بازم ترس. تنهایی یادت می‌ده بشنی و فکر کنی و درست قضاوت کنی، حداقل در مورد خودت. دور از چشم همه آدمها! می‌گنی تو خوب حرف می‌زنی، خوب تجزیه و تحلیل می‌کنی، ولی نمی‌دونم می‌توینی قاضی خوبی هم باشی یا نه؟ ولی تنهایی یادت می‌ده که قاضی خوبی هم باش!

از تنهایی ترس، گازت نمی‌گیره. فقط یادت می‌ده که چی کارکنی تا فردات بهتر باشه! یادت می‌ده که نباید فرار کنی، یادت می‌ده چه چوری واپستی و بچنگی. یادت می‌ده بنزی تو سر خودت و بگی اشتباه کردی! از تنهایی ترس. یادت می‌ده بنزی پشت خودت و بگی آفرین خوب بود!



## او یک پسر است و من یک دختر ...

زهرا حاجی‌بور

راضی می‌کردیم تا برایمان موتوری بخرد و با آن دنیا را دور نزینیم، ولی افسوس آخر او یک پسر است و من یک دختر ...

حالا که فکر می‌کنم می‌بینم که مدتی است دیگر از آن تخلیلات و احساسات عجیب خبری نیست. دیگر از لیاس‌های اسپرت خوش نمی‌اید دلم می‌خواهد دور آستین لیاس پر باشد از مردواریدهای برق نقره‌ای! تمام کفش‌های پاشندار و طرفی است و دیگر حاضر نیست به کتانی‌های برادم که بوی وحشتناکی می‌دهد، حتی نزدیک بشوم! مدتی است که دنیا برایم رنگ و رویی تازه پیدا کرده، تخیلاتی که تمام وجود تحت سیپرهاش بود، جایش را به واقعیاتی داده که هر لحظه‌اش برايم شیرین است. دلم می‌خواهد روزی همان طور که هست لذت برم و واقعیات را همان‌گونه که هست بیندیم و واقعیت این است که من یک دخترم، با یک دنیا عواطف و احساسات شاعرانه و برادم یک پسر است، با یک دنیا افکار و صلابت مردانه دارد، همین براذر، گاهی برای و جالب این جاست که همین براذر، گاهی برای درد دل کردن به سراغم می‌آید و من تمام محبت خواهانه‌ام را تاراش می‌کنم و سنگ صبورش می‌شوم.

أرى صفحه احساس‌های غيرمنطقی در كتاب زندگی من ورق خورده و جایش را به دنیای شیرین حقیقت‌ها داده است. دیگر هیچ فرقی نمی‌کند که من یک دختر باشم و برادم یک پسر ... .

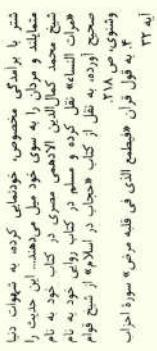
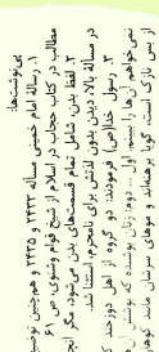
اسپرت، تنها فرم لباسی بود که می‌بستیدم و او همیشه اسپرت می‌بیوشید. دلم می‌خواست از بوتیکی که او خرید می‌کند، خرد کنم و کمد پر باشد از انواع و اقسام تی شرت‌های بسراه، با نوشته‌های بزرگ انگلیسی و عکس‌های فوتbalیست‌های خارجن.

همیشه دور از چشمش کتابی‌هایش را می‌بوشیدم و با لوچرچه‌اش به زحمت چند دور خیاط را چرخ می‌زدم و با تمام وجود احساس لذت می‌کردم، گاهی نیز به سراغ دستکش‌های بوکس‌اش می‌زدم، انگشت‌هایم داخل دستکش‌ها گم می‌شد و همیشه یک لنگه‌اش از دستم بیرون می‌برید. هرچند که از مصمم قلب دوستش داشتم، گاهی روابط‌مان ابری می‌شد و چنگ و دندانی به هم نشان می‌دادیم، ولی همیشه من با یک یا دو مشت جانانه ناکار می‌شدم و به مادرم پناه می‌بردم. آخر او یک پسر است و من یک دختر ... همیشه دلم می‌خواست مثل او راه بروم، مثل او حرف بزنم، مثل او لیاس ببیوشم، ولی او دائم مسخره‌ام می‌کرد و می‌گفت: هی آبیچی خانم، پاتو کفش بزرگ‌تر نکن، آخر آنرا عاقبت نداره!!!

روزی از او پرسیدم: داداش از اینکه پسری خوشحالی؟ لبخندی زد و زیر کانه پرسید: تو چی از اینکه دختری ناراحتی؟ گاهی با تمام وجود آزو می‌کردم که ای کاش پسر بودم، آن وقت شاید نه تنها دو براذر، بلکه دو رفیق شفیق می‌شدیم و با اصرار، پدر را

## پنجه‌های پاک

فر



این در زمانی است که هنگام نماز خواندن نامحرم آن زن را نبیند و تنها در این صورت، اشکالی ندارد، و با توجه به مسائلی که در قسمت «احکام نگاه کردن» رساله خود آورده‌اند، به طور قطعی حتی در هنگام نماز هم اگر نامرجمی آنجا باشد، زن وظیفه دارد که پای خود را بپوشاند. در ضمن هر فردی به راحتی با تماش گرفتن با دفتر مرجع تقلید خود می‌تواند براي بطراف شن شک و شبهه خود مساله را جویا شده تا به صدق مطلب موردنظر نظر بی‌پرداز.

لازم به ذکر است که جوراب نازک، پا را نمی‌پوشاند<sup>۱</sup> بلکه چه بسا باعث زیباتر جلوه دادن آن و نیز عاملی تحریک‌کننده باشد. حجابی که اسلام آن را لازم می‌داند، حجابی است که زیبایی‌ها و برjetستگی‌های بدن زن را از دید نامحرم مخفی کند و مانند صدف، مروارید و جود زن را از اسپسها محفوظ بدارد. متألفه‌انه بعضی از زنانی که بی به ارزش گوهر وجود خویش نبرده‌اند، نه تنها آن را از دید بیماران و هوسرانان پنهان نمی‌کنند، بلکه با تزئین و آرایش و جلوه‌های دان بیشتر آن، باعث جلب این‌گونه افراد به خود می‌شوند<sup>۲</sup> و آنان نیز اگر توانند به راحتی به خواسته دل و هوس خود بررسند با هزاران ترفند و نقشه، موجودات آزار و اذیت و بی‌ابربوی زنان و دختران می‌گاهه را فراهم می‌کنند، تا آتش شهوتی را که اکثر آن‌گهه، خاموش و آرام گردانند.

است ونگاه کردن به صورت و دسته‌ها اگر به قصد لذت باشد حرام، بلکه اختیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکند<sup>۳</sup> این در رابطه با وظیفه مرد و اما بر زنان هم پوشاندن تمام بدن به جز صورت و دسته‌ها لازم است (که این مطلب را از مساله بالا می‌توان فهمید)، لذا باز در همان قسمت آمده که «زن باید بدن و موی<sup>۴</sup> خود را از مرد نامحرم بپوشاند» با توجه به این دو مساله کاملاً آشکار می‌شود که زن در برایر نامحرم فقط جایز است که صورت و دسته‌های خود را نپوشاند و قطعاً پوشاندن با در برایر نامحرم واجب است. اما وظیفه زن و مرد از نظر پوشش در حال نماز با وظیفه‌اش در غیرنماز فرق می‌کند. به بعضی از فقهاء از جمله امام خمینی(ره) پوشش پاها تا مج را در نماز لازم و واجب نمی‌دانند، ولی

پرسش‌هایی درباره مسأله حجاب

سؤال: آیا در برایر نامحرم، با پای بدون جوراب و یا جوراب نازک بودن اشکال دارد، چون با پای بدون جوراب نماز خواندن هم اشکالی ندارد؟

پاسخ: در احکام اسلامی نمی‌توان بدون دلیل، حکم شرعی یک مساله را به مساله دیگر تعیین داد یا از شویه قیاس بهره برد. هم‌چنین به قوای تمام علمای شیعه زن در برایر نامحرم می‌باید تمام بدن و موی خود را بپوشاند، و فقط پوشاندن صورت و دو دست (اگر بدون زینت و آرایش باشد) واجب نیست و این مطلب را در رساله‌های علمیه در باب «احکام نگاه کردن» می‌توان یافت.<sup>۱</sup>

در انجا ذکر شده که: «نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه باقصد لذت و چه بدون آن حرام